

چهارچوب‌های یادگیری نخستین سال‌های کودکی

دکتر مسعود مرادی، استادیار دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
سمانه ابراهیمی، دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

چکیده

سال‌های اولیه زندگی برای نتایج بعدی بسیار حیاتی‌اند. کودکان میل ذاتی برای یادگیری دارند. این میل می‌تواند با توجه به تجربیاتی که در ابتدا کسب می‌کنند حمایت یا تضعیف شود. آموزش با کیفیت بالا در سال‌های اولیه زندگی کودک می‌تواند باعث ارتقای رشد فکری، زبانی، فیزیکی، اجتماعی و عاطفی، ایجاد آمادگی برای مدرسه و ایجاد یک پایه و اساس برای آموزش‌های آکادمیک بعدی و صلاحیت اجتماعی کودک شود. با تعریف محتوای مورد نظر و نتایج آموزش اولیه کودکان، استانداردهای یادگیری اولیه می‌تواند به فرصت‌های بیشتر برای رشد و یادگیری بهتر در سال‌های اولیه زندگی منجر شود.

کلیدواژه‌ها: یادگیری اولیه، اصول یادگیری اولیه، چهارچوب‌های یادگیری اولیه



مقدمه

بدون شک، سال‌های اولیه زندگی کودک تا پنج سالگی از مهم‌ترین دوره‌های رشد و توسعه توانمندی‌های کودک در کل دوره حیاتش است. کودکان زندگی را کاملاً وابسته به بزرگ‌ترها آغاز می‌کنند و هنگامی که توانایی راه رفتن، محبت کردن، نوشتن و ارتباط برقرار کردن با دنیای اطراف خود را پیدا کردند، به نوجوان تبدیل می‌شوند. پیشرفت انسان به‌طور شگفت‌انگیز در این سال‌ها پیچیده است. بعضی افراد از این دوران به‌عنوان «سال‌های جادویی» یاد می‌کنند. در حالی که والدین به‌عنوان مسئولین اولیه مشغول پرورش کودک خود هستند، عوامل زیادی موجود است که آن‌ها را در این دوران بحرانی یاری می‌دهد. در بسیاری از جوامع پیشرفته، جامعه‌بستر لازم برای تطبیع والدین با برنامه آموزشی مناسب را فراهم کرده است (Alaska's ELG, 2007).

ریشه‌یابی دیدگاه‌های چندگانه

هیچ تک‌تئوری پذیرفته شده جهانی درباره رشد کودک وجود ندارد. محققان و تعلیم‌دهندگان اساس و پایه تحقیقاتشان را درباره رشد و توسعه کودک بر روی مجموعه متفاوت از باورها و نظریه‌ها بنا نهاده‌اند. یک نظریه مجموعه‌ای از نظرات و عقاید است که یک موضوع اصلی را توضیح می‌دهد در عمل نظریه‌ها برای مدیریت رفتار و فهمیدن اینکه کودکان چگونه یاد می‌گیرند و نیازهای خاص آن‌ها چیست معنی پیدا می‌کنند (Taylor & Byers, 2006).

آموزش‌های اولیه دوره‌های آغازین کودکی بر یادگیری کودکان به‌وسیله بازی براساس تحقیقات ژان پیاژه تأکید دارد. این باور در «قدرت بازی» متمرکز شده است. نظریه بازی ناشی از حس کنجکاوی و تخیل کودکان است که اجازه می‌دهد درس - موضوعی رخ بدهد. از مسائل کلیدی بازی داشتن یک محیط سالم و امن، داشتن فضاهای زیاد، نظارت

صحیح و کیفیت مراقبت از محیط، نگرش مربیان و آگاهی فرهنگی آن‌ها از مراحل یادگیری اولیه است (Tassoni, 2000). یادگیری اولیه به ظهور و گسترش ظرفیت‌های خلاق، اجتماعی، عاطفی، فیزیکی و فکری کودکان اشاره دارد. همه کودکان با یک حس کنجکاوی نسبت به خود و دیگران و دنیای اطرافشان به دنیا می‌آیند. همان‌طور که آن‌ها رشد می‌کنند، توانایی‌ها و خواسته‌هایشان برای یادگیری از طریق روابط با خانواده، دیگر کودکان و بزرگسالان در جوامع را توسعه می‌دهند. یادگیری اولیه پایه و زیربنای یادگیری در طول دوره زندگی می‌باشد. هر کدام از کودکان ویژگی‌های فردی، اجتماعی، زمانی و قومی منحصر به فرد خود را به ارمان می‌آورند. این تفاوت‌ها آن‌ها را در یادگیری اولیه با کودکان دیگر غنی می‌کند (British Columbia ELF, 2007).

چهار چوب‌های یادگیری اولیه

اگر یادگیری اولیه را به‌صورت یک درخت تصور کنیم، خانواده و محیط و جامعه و دولت ریشه‌های آن هستند، یادگیری از طریق بازی تنه درخت و چهار شاخه اصلی آن که همان چهار چوب‌ها را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از: ۱. تندرستی و تعلقات، ۲. اکتشاف و خلاقیت، ۳. تفاوت‌ها و مسئولیت اجتماعی، ۴. زبان و سوادآموزی، حال به اختصار به توضیح این چهار شاخه می‌پردازیم.

۱. تندرستی و تعلق

حس تندرستی و تعلق برای کودکان حیاتی است. کودکان در سال‌های اولیه زندگی سلطه خود را بر روی جسم‌شان و کارهای روزانه‌شان توسعه می‌دهند. تأمین سلامتی و تندرستی آن‌ها در طول زندگی و تأمین آن‌ها با حس تعلق به مکان - یعنی حس اینکه در محیطی هستند که روابط آن‌ها و فرهنگ آن‌ها تثبیت شده است

- برای اعتماد کودکان ضروری است تا بتوانند ظرفیت‌های خلاق خود را کشف کنند.

۲. اکتشاف و خلاقیت

ظرفیت برای کشف و ایجاد خلاقیت برای بهتر کردن زندگی ضروری است. در حین بازی کودکان کنجکاوی طبیعی خود را درباره جهان بیان می‌کنند و اهداف چندگانه یادگیری زودهنگام را به‌طور هم‌زمان کشف می‌کنند. حمایت کردن از بازی اکتشافی کودکان احتمالاً از مهم‌ترین معنی‌ها برای ترویج دادن یادگیری معنی‌دار در کودکان است.

۳. تفاوت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی

تجربیات یادگیری کودکان در سال‌های اولیه تأثیرات بلندمدت بر تمام زندگی آن‌ها و هم‌چنین آینده بومی، ایالتی و بین‌المللی آن‌ها دارد. کودکان از فرصت‌ها برای ساختن روابط سود می‌برند، برای یادگیری درباره میراث و فرهنگ خود و دیگران، فهمیدن روابط بین عمل‌های خودشان و جهان بزرگ‌تر و وسیع‌تر تلاش می‌کنند. این فعالیت‌ها کمک می‌کند که پایه‌های اخلاقی برای سلامت اجتماعی و تندرستی محیطی در حال حاضر و آینده را بسازند.

۴- زبان و سوادآموزی

توسعه زبان و سوادآموزی در بین کودکان آن‌ها را با یک پایه قوی از یادگیری موفقیت‌آمیز در طول دوره زندگی تأمین می‌کند. سوادآموزی یک اصطلاح گسترده برای توصیف رشد فیزیکی، عاطفی، اجتماعی، خلاق زبانی و ارتباطاتی در میان کودکان خردسال است.

نتایج تحقیقات

تحقیقات آمریکای شمالی بر رشد کودکان نشان داده است کودکان و نوزادان

نوپا برای ایجاد یک پایه امن برای کشف جهان نیاز به تشکیل یک دلبستگی قوی به مراقبان اولیه خود دارند. دلبستگی قوی به کودکان این حس اعتماد به نفس را که آن‌ها نیاز به ساختن مفاهیم معنی دار از هم‌سنان، بزرگ‌ترها و والدین و محیطی که در آن زندگی می‌کنند می‌دهد. نتایج یک تحقیق در میشیگان نشان داده است که کودکان که در سه و چهار سالگی از خانواده‌های با درآمد پایین به‌طور تصادفی انتخاب شدند، پنج برابر بیشتر از کسانی که در کودکی آموزش‌های قبل از دبستان را دیدند و به قانون‌شکنان مزمین در هجده سالگی تبدیل شدند (L. J. Schweinhart & et al, 2005). همچنین مطالعه مذکور نشان داد که افراد کم‌درآمد که در یک برنامه پیش از دبستان با کیفیت متوسط شرکت کرده بودند در ۴۰ سالگی درآمد سالانه حدود ۵۵۰۰ دلار بیشتر از آنهایی که این دوران را نگذرانده بودند به‌دست آوردند. علاوه بر این، این

مطالعه نشان داد که افراد با درآمد پایین که در کودکی در دوره‌های آموزشی پیش از دبستان شرکت کرده بودند تحصیلات به‌تر، دارای مسکن و ازدواج‌های طولانی‌تر نسبت به آن‌ها که شرکت نکرده بودند داشتند. مطالعه دیگر نشان می‌دهد که کودکان خانواده‌های کم‌درآمد که برنامه‌های آموزشی پیش از دبستان را با کیفیت نسبی می‌گذرانند، کمتر نیاز به آموزش خاص، تکرار دوره و یا درآینده با قانون دچار مشکل شدن را دارند (Cappelloni, 2013). کودک باید توجه و تأثیر مثبت برای رشد اخلاق سالم و فردی دریافت کند. یک باور نادرست در بین افراد وجود دارد که می‌گویند ساعات بیشتری از آموزش و پرورش رسمی برای یک کودک مزایای بیشتر نسبت به توازن بین آموزش رسمی و خانواده دارد. بررسی‌های نظام‌مند بین‌المللی نشان می‌دهد که مزایای آموزش اوایل دوران کودکی از تجربه مشارکت به‌دست آمده است. بیش از ۲/۵ ساعت در روز تا حد زیادی به نتایج رشد کودک اضافه می‌کنند. به‌خصوص وقتی که کودکان از سایر تجارب و تماس با خانواده جدا شوند (Farquhar, 2008)

آن‌ها ایجاد محیط با محبت و با تحرک برای کودک است. دیگری نظارت منظم بر رشد سالم اوست و وظیفه دیگر کمک به کودک برای ایجاد تصویر خوب از خود (نگرش مثبت به خود به‌عنوان یک فرد مفید) است. اگر چه برای ایجاد تصویر خوب از خود والدین تنها عامل تأثیرگذار نیستند ولی داشتن رابطه مشترک بزرگ و ارانه، ابراز همدردی و احترام، اهمیت دادن پذیرش کودک بدون تعیین شرط و شروط، تشویق رفتار و تفکر آزاد و دادن استقلال رفتاری و فکری در چهارچوب‌های مشخص مسلماً بهترین کارها برای ایجاد چنین تصویری خوب از خود می‌باشد. در کل، آنچه می‌خواهیم بگوییم و لازم است والدین بدانند این است که کودک از بدو تولد شروع به جذب اطلاعات می‌کند و قسمت زیادی از این اطلاعات را از والدین می‌گیرد. بنابراین، مسئولیت کامل یادگیری‌های اولیه کودک برعهده والدین است و نقش آن‌ها به‌عنوان معلم اهمیت زیادی دارد.

منابع

1. Alaska's Early Learning Guidelines (2007), developed by both the department of Education and Early development, division of Teaching and learning support, office of Special Education, Head Start Collaboration Office and the department of Health and social services, division of Public Assistance Child Care Program Office.
2. British Columbia Early Learning Framework, Co-published by the Ministry of Health and the Ministry of Children and Family Development. Issued by the Early Learning Advisory Group.
3. Byers, Elisabeth & Taylor, Wendy (2006). Understanding Early Years: Theory in Practice. Heinemann Educational Publishers.
4. Cappelloni, Nancy (2013). Kindergarten readiness, National Education Association, Educational Consultant, Texas.
- Farquhar, Sarah-Eve (2008). The benefits & Risks of Childcare (ECE) for young children: A Review of the best Available NZ and International Research. New Zealand: Child Forum.
5. Schweinhart, Lawrence J.; Montie, J.; Xiang, Z.; Barnett, W.; Belfield, R. & Milagros Nores (2005). Lifetime Effects: The High Scope Perry Preschool Study Through Age 40. Ypsilanti, MI: High/Scope Press. pp. 194-215
6. Tassoni, P (2000). Early childhood education. London: Heinemann Educational



از آنچه گفته شد درمی‌یابیم که پدر و مادر نقش‌های متعددی را در زندگی کودک ایفا می‌کنند. یکی از

